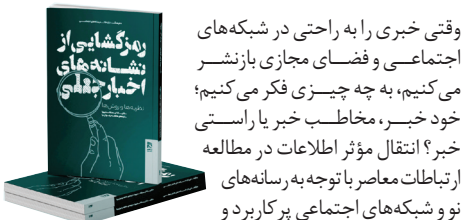


چگونه اخبار جعلی را خنثی کنیم؟



وقتی خبری را به راحتی در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی بازنشر می‌کنیم، به چه چیزی فکر می‌کنیم؟ خود خبر، مخاطب خبر یا راستی خبر؟ انتقال مؤثر اطلاعات در مطالعه ارتباطات معاصر با توجه به رسانه‌های نو و شبکه‌های اجتماعی پرکاربرد و پرمخاطب، پدیده‌ای بسیار کهن اما نرم و نوارمورد توجه قرار داده است که به آن «خبرهای جعلی» یا «فیک‌نیوز» می‌گویند. کتاب حاضر، با کاوش در شبکه پیچیده‌ای از نمادها، نشانه‌ها و معانی، به‌دنبال آشکارسازی رمزهای نشانه‌شناختی نهفته‌ای است که در تولید خبرهای جعلی و اشتباه‌پراکنی‌ها به کار می‌روند. کتاب «رمزگشایی از نشانه‌های اخبار جعلی» نوشته تاتيانا ایسکاندرووا با ترجمه عاطفه رضوان‌نیا به تازگی از سوی انتشارات همشهری در ۱۲۲ صفحه، به بهای ۱۵۰ هزار تومان منتشر و روانه بازار شده است.

جزئیات انتخاب رشته دانش آموزان پایه دهم

سمیه‌سادات ابراهیمی، مدیر کل امور تربیتی، مشاوره و مراقبت در برابر آسیب‌های اجتماعی از افزایش ظرفیت پذیرش شاخه فنی و حرفه‌ای در جریان هدایت تحصیلی دانش آموزان پایه نهم خبر داد. او با بیان اینکه در اجرای فرایند هدایت تحصیلی در سال‌های گذشته، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که مطرح می‌شد، ظرفیت محدود شاخه فنی و حرفه‌ای بود، تصریح کرد: آگاهی دانش آموزان و همچنین والدین آنان از رشته‌های موجود در شاخه فنی و حرفه‌ای و کاردانش و بازار کار آینده مرتبط با آنها لازمه انتخاب آگاهانه رشته تحصیلی است. در این خصوص مشاوران مدارس، محتواهای بارگذاری شده در سامانه هدایت تحصیلی و همچنین کانال مشاوره مدرسه پایه نهم با آدرس (moshavere_8@). می‌توانند به دانش آموزان کمک کنند. ابراهیمی در پایان افزود: نمونه برگ هدایت تحصیلی دانش آموزان در دهه سوم تیرماه صادر خواهد شد.

هفت‌شماره‌ای گزارش

نذرهای بعد از این

وقت این آموزش‌ها، اغلب جوان‌ها گوش تیز می‌کنند؛ حتی امری که کفش عزاداران را جفت می‌کند یا دوستش که تند تند استکان‌های چای را می‌شوید و خشک می‌کند. بسیاری از جوان‌های این تکیه قدیمی وقت حضورشان در کنکور رسیده و معمولاً از هیچ فرصتی برای درس خواندن و تست زدن غافل نمی‌شوند؛ جز شب‌های محرم که همیشه برایشان ناقت‌های جدا افتاده بوده و هست. نذر کرده‌اند اگر کنکور را یک ضرب در رشته دلخواه قبول شوند زمان‌هایی از شغلشان را صرف نیازمندان کنند. این را عمو شکرالله یادشان داده: «از پاداش نوکری برای امام حسین(ع)، خرج خود امام حسین(ع) کنیید...»



کمک روانشناسان داوطلب به مردم

محمد جاتمی، رئیس سازمان نظام روانشناسی و مشاوره کشور: «ستاد امنیت روان و آرام‌بخشی» در مرکز استان‌ها و در راستای خنثی کردن اهداف دشمن از طریق تخریب روحیه مردم ایجاد شده است. بیش از هزار روانشناس داوطلب در ستاد ثبت‌نام کرده‌اند.



پویش ملی برای بازسازی ویرانی‌ها شروع شد

محمدجواد عزتی وظیفه‌خواه، رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر: جمعیت هلال احمر با هدف کمک به ترمیم واحدهای مسکونی آسیب‌دیده در حملات اخیر رژیم صهیونیستی، پویش «خانه‌ات آباد» را راه‌اندازی کرده است. مبالغ جمع‌آوری‌شده در این پویش ملی برای بازسازی منازل آسیب‌دیده صرف خواهد شد.

روضة

اینجا کودکان روضه‌خوان هستند

در دل سلوگی محرم، هیئت‌های ویژه کودکان تصویری ناب از ارادت دهه نودی‌ها به امام حسین(ع) خلق کرده‌اند. کودکان با لباس‌های مشکی و سربندهای یا حسین(ع) در فضایی خاص با هم‌سن و سال‌های خودشان عزاداری می‌کنند. نوحه‌خوانی، سینه‌زنی و عزاداری در این هیئت‌ها رنگ و بوی دیگری دارد. مسجدها فائق خیابان ایران در شهر تهران امسال میزبان این عزاداران کوچک است.



عکس‌ها: همشهری | احمد عباس‌نژاد

امتحان آخر: شهادت

روایتی کوتاه از ۳۰ دانش‌آموزی که در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه اسرائیل به شهادت رسیدند

گزارش

روزنامه‌نگار

لیلا شریف

مدرسه و امتحانات که تمام شد با کُلی ذوق خودشان را برای تابستان و سرگرمی‌هایش آماده کرده بودند و هیچ کدام خبر نداشتند که قرار است یک انفجار و ویرانی جان آنها را بگیرد و نام شهید در کنار اسمشان بنشیند. در روزهای حمله رژیم صهیونیستی به ایران، هر روز نام یک دانش‌آموز در گوشه‌ای از کشور به گوش می‌رسید که بی‌گناه شهید شده و هنوز هم نام‌های جدیدی به لیست شهدای دانش‌آموز اضافه می‌شود. براساس گفته‌های وزیر آموزش و پرورش تاکنون ۳۰ دانش‌آموز در جنگ ۱۲روزه تحمیلی شهید شده‌اند.

نام‌هایی که سند جنایت شدند

از میان تمام شهدای دانش‌آموز تا به امروز نام ۲۲ نفر از آنها به‌صورت رسمی اعلام شده است و باید قبول کرد که این نام‌ها سندی از جنایت اسرائیل هستند. محدثه اقدسی، سیدمحمدرضا اقدسی، مرسانا بهرامی، امیرعلی امینی، محمدحسین خاکی، مظهره نیازمند، فاطمه نیازمند، علیرضا نیازمند، زهرا بهمن‌آبادی، هانیه بهمن‌آبادی، ایما زینلی، محیا نیکزاد، سهیل کطولی، فاطمه ساداتی‌ارمکی، علیرضا فلاح، پرهام عباسی، علیرضا جباری، امیرعلی چتر عنبرین، سروین حمیدیان، تارا حاج‌میری، هلنا غلامی و متین صفائیان همان دانش‌آموزانی بودند که دیگر روزهای مدرسه و شیطنت‌های زنگ تفریح را نخواهند دید.

غنچه‌های به خون افتاده

دانش‌آموزان با تابلوهای کوچک در کوچه‌ها و محله‌های شهرهای مختلف تشییع شدند و داغی پر دل یازماندگان گذاشتند که هرگز سرد نخواهد شد. این نوشته تنها بخشی از روایت شهادت دانش‌آموزان ایران است.

■ شهید علیسان جباری:

تازه برای کلاس اول در یکی از مدرسه‌های تبریز ثبت‌نام کرده بود و در آرزوهایش خود را خلبانی می‌دید که بر آسمان ایران پرواز خواهد کرد اما جنگ به او فرصت نداد. علیسان هنگام بازی در خانه و به‌دلیل حمله رژیم صهیونیستی از ناحیه سر مجروح شد و در آغوش مادر خود به شهادت رسید.

■ شهید امیرعلی چتر عنبرین: نوجوان ۱۳ساله‌ای که در حمله به آستانه اشرفیه شهید شد. او اهل لاهیجان بود و آن شب، جدا از خانواده‌اش برای مهمانی راهی خانه یکی از بستگان شد اما حمله هوایی به آستانه اشرفیه که با هدف ترور دکتر سیدمحمدرضا صدیقی صابر دانشمند هسته‌ای بود، جان او و نزدیک به ۱۶ نفر دیگر از خانواده‌اش را گرفت.

■ شهید هلنا غلامی: دانش‌آموز دبستانی در خرم‌آباد بود و درست در آخرین روز خردادماه که ۸روز از جنگ گذشته بود، به‌دلیل حمله پهپادها به بخشی از اتوبان قم-تهران و آسیب به خودروی خانواده‌اش به دلیل شدت جراحت به شهادت رسید.

■ شهید متین صفائیان: مهر امسال که می‌آمد، متین ۱۶ ساله می‌شد. در روز شهادت، او مانند روزهای قبل به مدرسه تیزهوشان امام موسی صدر رفته و حوالی ظهر از مدرسه و مسیر میدان تجریش راهی خانه شده بود اما متین هرگز به خانه نرسید و به‌دلیل حمله رژیم صهیونیستی او هم مانند ۲۹ دانش‌آموز دیگر شهید شد.

در میان جوش و خروش مراسم عزاداری اباعبدالله‌الحسین(ع) آنجا که طبل‌های کوبید و زنجیرها بر شانه می‌بارد و صدای لیلیک یاحسین عاشقان کربلا در آسمان طنین‌انداز می‌شود، حواسمان به خادم‌ان نارنجی‌پوش حسینی باشد؛ عزادارانی که در سکوت شبانه خود لایه‌لای عزاداری‌ها مشغول جمع کردن زباله‌هایی هستند که به اعتقادشان حرمت مجلس حسین را می‌شکند. دلشان با حسین است و فکرشان در مجلس حسین. پویش «من هم می‌خواهم عزاداری کنم» یادآوری می‌کند که عزاداری حسین فقط سینه‌زنی و زنجیرزنی نیست؛ گاهی باید حواسمان به همه باشد تا فرصت حضور در مجلس امام حسین(ع) را پیدا کنند.

من هم می‌خواهم عزاداری کنم

همان مردم، همان ارادت

درباره تکیه‌ای قدیمی که جوان‌هایش به رسم کهنه چهارپایه‌خوانی می‌کنند

سن‌شان به چهارپایه‌خوانی‌های متداول بازار و بزرگان این رسم یکی مثل شاه‌حسین بهاری در راسته بزاز‌ها می‌رسد یا از سالخوردگانی دیگر شنیده‌اند؛ شنیده‌هایی خاطره‌انگیز که این روزها و شب‌ها در دین و هوایش هستند.... زیر طاق ضربی غرفه‌های تکیه دولت که چلچراغ‌هایی چشمگیر از بالایشان آویزان است، اشک می‌ریزند. یا میان تکیه‌تیباوران، چال، نفرآباد و بازاربان ماتم گرفته‌اند. دسته عزاداران یکی پس از دیگری می‌آیند و می‌روند؛ حلبی‌سازها، کاشانی‌ها، فراش‌ها و زنبورک‌چی‌ها. لایه‌لای دسته‌ها، کسانی روی چهارپایه بلند می‌شوند: «حسین سرباز ره دین بود...». محمد و باقی جوان‌های تکیه قدیمی مسجدی‌های نازی‌آباد و وارثان همان چهارپایه‌خوانانند.



اشک‌ریزان پای چهارپایه‌خوانان

هر شب از شب‌های دهه نخست محرم قبل از اینکه عزاداران تکیه مسجدی‌های نازی‌آباد، خیابان به خیابان بر سر و سینه بکوبند حاج‌مهدی اکبری (مداح اصلی تکیه) محمدرا صدا می‌زند برای چهارپایه‌خوانی. محمد هم به سفارش پدربزرگ، با صدایی بلند و در کمتر از ۱۰ دقیقه هم روضه می‌خواند، هم‌نوحه می‌گوید و هم عزاداران را به دم می‌اندازد. صدایش سوز دارد و خوب می‌داند اشعار ترکی بر صدا و سوز آن، خوب می‌نشیند: «حسین گلدی کربلا به قوناقی...»

سحر جعفریان عصر

روزنامه‌نگار

صدای نوحه‌خوان جوان پیچیده در صدای طبل و سنج. دسته عزاداران با لباس‌هایی یک‌دست سیاه گردش ششور گرفته‌اند. نوحه‌خوان جوان روی چهارپایه چوبی مفروشنی ایستاده: «یا حسین غریب مادر، تویی ارباب دل من...». خبری از باند و میکروفون نیست و این یعنی چهارپایه‌خوانی بسیاری از رهگذران حوالی مسجد قدیمی حضرت رسول (ص) نازی‌آباد را سبوی خود کشانده است؛ رهگذرانی که برخی

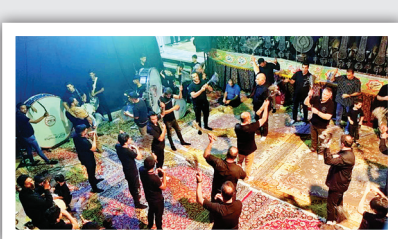
یک تکیه قدیمی یک رسم قدیمی

محمد، پسا جای پای پدربزرگ خدایاب‌مرزش گذاشته است؛ کربلایی محمود که چهارپایه‌خوان خوش‌صدایی بود و حجره‌ای کوچک در بازار بزاز‌ها داشت. از سر همین حجره‌داری در بازار بود که چهارپایه‌خوانی یاد گرفت. روز و شب‌های محرم در بازار تهران، حال و هوایی دیگر دارد. از دسته‌گردانی اصناف تا علم‌کشی یاشل‌ها که گاهی کسی میانشان چهارپایه‌خوانی می‌کرد. اینها را محمد در حالی که نسخه‌های دستنویس مداحی و تعزی به (متعلق به پدربزرگش) را به‌دنبال نوحه‌ای قدیمی زیر و رو می‌کند به‌خاطر می‌آورد: «به ویژگی‌های اعتقادی و سیاسی افرادی که مداحی می‌کنند و دیگران، آنها را بیشتر با آن ویژگی‌ها می‌شناسند کاری ندارم. حرقم این است که چهارپایه‌خوانی یک سبک هنری است و باید به نسل‌های بعد برسد.»

زنجیرزان دولت‌آباد

قدیمی ترین دسته زنجیرزنی تهران در هیئت متوسلین قمر بنی هاشم(ع)

می‌سپارند که میان‌دار دسته هستند. این زنجیرها قدیمی و تاریخ دارند و در نخستین کارگاه‌های زنجیرسازی شهر ری ساخته شده‌اند. اینجا هیئت متوسلین به قمر بنی‌هاشم(ع) است که دسته زنجیرزنی آن شهر تی سزاوار دارد.



سه‌ضرب‌نی را شروع می‌کنند و دیگر باید زنجیرها به‌سرعت و جاندار روی زنجیرزان بنشینند. صدای علی‌آقای علوی هم دیگر خوب پرسوز و رگ‌دار شده و نوای نوحه‌اش پیش از رسیدن دسته، هیئت‌های محل را از مهمان‌دار بود‌نشان باخبر می‌کند تا با سینی چای لب‌سوز به استقبال‌شان بروند. تا سه‌ضرب‌نی زنجیرزان به آخر برسد، دید و بازدید آنها به پایان رسیده و به کوچه شهید مهدی محمد رسیده‌اند تا ختم زنجیرزنی‌شان در حیاط هیئت باشد. در میان تصاویر بانیان و درگذشتگان هیئت که بر در و دیوار حیاط نقش بسته، تصویر مرحوم عبدالحسین اسکندری جلب توجه می‌کند.

میراث عزیز

مرحوم اسکندری در همان سال ۱۳۴۸ که هیئت را راه‌انداخت، به اهنگران شهری سپرد که از برج و آهن‌هایی مرغوب برای هیئت متوسلان قمر بنی‌هاشم زنجیرهایی سبک و خوش‌دست بسازند. حالا که شمار عزاداران هیئت بیشتر شده، جوان‌ترها با همان زنجیرهای نه‌چندان خوش‌دست امروزی هم پرشور و پرسوز‌گداز عزاداری می‌کنند تا شهرت و آوازه تکیه که از گذشته برای دسته زنجیرزان هیئت متوسلان قمر بنی‌هاشم به میراث مانده، حفظ شود. بعد از فوت کربلایی عبدالحسین، نوه‌اش حسین آقا هیئت‌داری می‌کند و راه و رسم پدربزرگ را ادامه می‌دهد.

رسم هر ساله

علامت بزرگ و ثابت هیئت وسط خیابان شهید علی‌نواز علم شده است. تیفه‌های خوش‌برش و قرصش به‌خوبی هنر دست اهنگران محله دولت‌آباد را نشان می‌دهد. چراغانی‌های خیابان شهید علی‌نواز از سر کوچه شهید مهدی محمد شروع شده و تا بعد از موکب ادامه دارد. بساط چای و شربت موکب به‌راه است و رهگذران سواره یا پیاده تشنه از آنجا نمی‌گذرند. شمار موسفیدان هیئت کم نیست و هم جا و مکان‌شان مشخص است و هم زنجیرهای یک‌شکل‌شان که شمار حلقه‌هایشان به ۷۰۰ تا نمی‌رسد. دسته که نظم می‌گیرد، جوان‌ترها و بچه‌ها به‌دنبال موسفیدان هیئت ردیف می‌شوند.

سه‌ضرب‌نی آخر

آقابالله هم که با او هم‌نوا می‌شود، ریتم آرام نوحه‌خوانی او را دنبال می‌کند تا بالا رفتن و فرود آمدن دست زنجیرزان نظم و قاعده خود را به‌دست آورد. تا آقامجید به نوحه عاشورایی دومین تک‌ضرب‌نی برسد، در میان بوی اسپند و صدای صلوات عزاداران نخستین گوسفند قربانی اهل محل هم دُبح می‌شود. داوره تک‌ضرب‌نی زنجیرزان ۴۰ دقیقه‌ای طول می‌کشد و درست وقتی عرق از سر و روی زنجیرزان راه گرفته، میان‌داران